

## بنام خدا

### نوزدهمین سالگرد شهادت جهان پهلوان تختی را گرامی می‌داریم.

جهان پهلوان غلامرضا تختی، به سال یکهزار و سیصد و نه خورشیدی در خانی‌آباد یکی از قدیمترین محله‌های تهران چشم به زندگی گشود. پدرش از باب رجب تختی یخچال‌دار بود و اوقات فراغت را در زورخانه و کنار پهلوانان می‌گذراند. تأثیر پدر و حضور در زورخانه‌های متعدد وی را به سوی این محراب مهر و جوانمردی کشید. نخستین تجربه‌های ورزش کشتی را در سال یکهزار و سیصد و بیست و چهار در زورخانه فولاد کسب کرد و خیلی زود به یمن روح بلند و اعتقاد دینی و بازوان توانا، حریفان کهنه را از میدان بدر کرد و در جایگاه قهرمانی کشور قرار گرفت.

درخشش جهان پهلوان در دوران شکوفائی زمامداری مصدق و اوج نهضت ملی شدن صنعت نفت یعنی سال یکهزار و سیصد و سی فزونی گرفت و در مسابقات کشتی هلستنی مقام دوم قهرمانی جهان را کسب کرد. پهلوان بیست ساله ما با چهره نحیف و مهربان و نگاه شرم‌آلود یکباره توجه همگان را بسوی خود جلب کرد.

تختی در کنار بدن سازی و پهلوانی، با شناخت نهضت ملی به رهبری مصدق به پرورش روان پرداخت و خیلی زود در جرگه مصدقی‌های با ایمان قرار گرفت. این خیر دشمنان مصدق را که در رأسان در باریان بودند سخت تلخ آمد و با حيله و تزویر تلاش برای دور کردن پهلوان از صحنه سیاست اوج گرفت ولی نه زور و نه زر و نه تزویر هیچیک در روح بلند و طبع والای او کارگر نیفتاد و تا پایان همچنان بر سر آرمان خود ایستادگی کرد. بارها پرچم سه رنگ ایران به همت او در میدانهای بزرگ جهانی به اهتزاز در آمد ولی آنچه از تختی حماسه‌ای از یاد رفتی ساخت نه تنها قدرت پهلوانی و پیروزی‌های درخشان او که جوهر بلند و تفکر و الایش بود، بلکه در زمانه فضیلت سوزی که پایداری یاران راه را جز در لحظه‌های گلرله باران نمی‌شد تصدیق نمود، تختی بگونه‌ای نمونه استقامت و پایداری در تلاش برای رهائی از سلطه اهریمنانه استبداد و فساد حکومت و حامیان قدرتمند خارجی آن گردید.

شرکت آشکار و صمیمانه تختی در کوششهای سیاسی و به ویژه برگزیده شدن او به عضویت شورای مرکزی جبهه ملی ایران چنان دستگاه استبداد را به خشم آورد که از ورود او به باشگاههای ورزش که خانه دؤمش بود جلوگیری بعمل آورد. رژیم می‌کوشید تا با فشار وارد آوردن بر تختی و در تنگنا قرار دادن او، پهلوان را وادار سازد تا از صف نیروهای ملی دور گردد و دست کم بی‌طرف بماند. ولی تختی با ایمانی شکست ناپذیر از راه ملت دور نگشت و سنگر جبهه ملی ایران را ترک نگفت تختی با توجه به علاقه و اعتقادی که مردم باو داشتند در جریان زلزله بوئین زهرا، با تلاشی خالصانه بکار جمع آوری هدیه‌های نقدی و غیر نقدی مردم پرداخت و کاروانی عظیم ترتیب داد که بیش از پیش بر حیثیت رژیم لطمه وارد آورد. این حرکت خیرخواهانه او که از عمق احساس صادقانه اش نسبت به مردم میهنش سرچشمه گرفته بود تأثیری شدید بر همه ملت، به ویژه جوانان گذارد. تختی را باید از قهرمانانی بشمار آورد که در تاریخ حیات یک ملت ماندنی میشوند، چنانکه پوریای ولی ماندنی گشت.

تختی در زمان خود تا ژرفای روح و جان جوانان ایران تأثیر گذاشت. بسیار بودند قهرمانانی که بر کرسی قهرمانی جهان ایستادند ولی هیچیک گستردگی نفوذشان بر جامعه و جوانان چون تختی نبود. تختی برای جوانان ایران نشانه مردانگی و جوانمردی، صداقت و خدمتگزاری، پاکی و دوز بودن از آلودگی و بالاخره سرشار از عشق به میهن و آزادگی و سربلندی ملت ایران بود. جوانان ایرانی تختی را تنها به اعتبار قدرت بازوانش

نمی‌ستودند و او را برای خود الگو نساخته بودند، بلکه عزم راسخ جهان پهلوان در حمایت از نهضت ملی و راه مصدق و خدمت بمردم، او را تا بدان درجه از محبوبیت و اعتبار رسانیده بود.

امروز نیز جوانان این مرز و بوم با گرامیداشت جهان پهلوان تختی، به اعتباری به تمامی خصلت‌ها و باورهای آن همیشه بزرگ و آن یل دوران، ادای احترام میکنند و برآند تا با تمام نیرو مسئولیت‌های بزرگی را که در زمینه پاسداری از آزادی ملت، استقلال میهن و ساختن ایرانی آباد و جامعه‌ای نیکبخت بر عهده دارند پذیرا شوند. غلامرضا تختی، رستم دوران، برافرازانده درفش افتخار کارمند ساده راه آهن بود و با حقوق اندک بار زندگی خود و خانواده‌اش را بدوش می‌کشید.

تختی، رستم زمانه، آن پیک پرشور پیروزی، آن همیشه قهرمان، نوزده سال پیش در هفدهم دیماه به خنجرری از پشت در سی و هفت سالگی، از پای درآمد ولی تا پای مرگ روی از آرمان بزرگ خویش بر نافت و گوشه چشمی هم به حاکمان ستمکار نشان نداد.

یاد آن مصدقی مبارز پیوسته گرامی باد.